



بررسی جایگاه نماد خورشید در اشعار عارفانه و تأثیر آن در صنایع دستی شهرستان میبد^۱

شیوا زارع

دکتری پژوهش هنر

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۱/۰۳/۲۰

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۶/۱۱

چکیده

خورشید یکی از عناصری است که در گذشته مورد پرستش بوده و با آمدن دین یکتاپرستی، مورد تکریم و احترام مردم قرار گرفته است. در قرآن کریم بارها و بارها خداوند با الفاظی مانند نور آسمانها و زمین، معرفی شده است. خورشید یکی از تمثیل‌های نور است و به واسطه نور خورشید، جهان روشن می‌شود و تاریکی‌ها تمام می‌گردد. بنا بر این توصیفات، خورشید در عرفان به عنوان هدایت‌گر و روشن‌کننده معرفی می‌شود که سالک را با نور خود به سمت حق هدایت می‌کند و به کمال می‌رساند. از سویی هرچیزی که در برابر خورشید قرار می‌گیرد از سایه و متعلقات دنیوی تهی می‌گردد و سراسر وجودش پر از نور می‌شود؛ در نتیجه به اصل وحدت می‌رسد و ذره ذره وجودش پر از نور الهی می‌گردد. از طرف دیگر، نقوش خورشید توسط انسان‌های اولیه روی دیوارهای غار به تصویر کشیده شده است. با گذشت زمان و پیشرفته‌تر شدن شرایط زندگی، این نقوش روی ظروف سفالی یا فلزی و سایر صنایع دستی نقش می‌گرفتند. نقش مذکور در گذر زمان و بنابر حسب تغییرات سیاسی و فرهنگی هر منطقه، تغییراتی پیدا کرده است. نماد خورشید در صنایع دستی از اعتقادات و آیین‌های آدمی به دور نبوده است. این پژوهش در پی پاسخ به پرسش «آیا شباهتی بین نقش خورشید در ادبیات عرفانی و صنایع دستی میبد وجود دارد؟» با روش توصیفی-تحلیلی برآمد و به این نتیجه رسیدیم که همه معانی عرفانی نماد خورشید را در صنایع دستی شهرستان میبد می‌توان دید. نماد خورشید در صنایع دستی میبد، معانی عرفانی زیادی چون وحدت، هدایت‌گری و کمال‌جویی را به بیننده منتقل می‌کند.

کلید واژگان: نقش خورشید، صنایع دستی، شعر عارفانه، میبد

^۱ این مقاله برگرفته از پایان‌نامه دکتری نگارنده با عنوان "نمادپردازی در نقوش زیلو میبد و تطبیق آن با سفالگری و معماری بومی مبتنی بر مبانی بصری هنر

اسلامی" است.